

#### خبر

رئیس‌جمهور جمعه شب پس از پایوس امام رضا(ع) به زیارت مزار رهبر شهید رفت

#### قرار شبانه

رئیس‌جمهور در جریان سفر کوتاه خود به مشهد مقدس، با حضور در آستان ملکوتی حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع)، منبج شریف و نورانی امام هشتم را زیارت کرد. دکتر مسعود پزشکیان همچنین پس از زیارت بارگاه منور رضوی، با حضور در رواق دارالذکر به زیارت مزار مطهر رهبر معظم انقلاب اسلامی پرداخت و با قرائت فاتحه، به روح بلند آن قائد شهید و رهبر عظیم انقلاب اسلامی ادای احترام کرد.

#### آخرین شهید کودتای دی‌ماه



محمدرضا طالبی، بسیجی ۱۸ ساله‌ای که در جریان حوادث ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ در تهران به شدت مجروح شده بود، پس از حدود ۹ ماه کما، روز اول آبان ۱۴۰۵ به کاروان شهدای مدافع امنیت پیوست. این جوان بسیجی که در جریان اغتشاشات کودتاگونه دی‌ماه در منطقه ۷ تهران در اثر ضرب و شتم اغتشاشگران از ناحیه سر دچار جراحات سنگین شده و به کما رفته بود، به عالم ملکوت برگشید تا بار دیگر شاهدی باشد بر میزان سبعت عوامل مוסاد و سیا و فریب خوردگان آنها. شهادت این بسیجی و پیوستن او به حدود بیش از ۵۰۰ نیروی امنیتی و بسیجی به شهادت رسیده توسط عوامل آمریکا و اسرائیل در دی‌ماه در شرایطی است که آمار ساری مقامات آمریکا و به‌طور خاص خود رئیس‌جمهور این کشور در مورد تعداد جان باختگان اغتشاشات دی‌ماه ادامه دارد . البته این دروغ پردازی آن قدر نخ نم‌خا شده وحتی در غرب هم کسی به آن اعتنایی نمی‌کند.

#### رئیس مجلس:

#### فارسی سهم بسزایی در پاسداری از تمامیت ارضی ایران دارد

رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی به شانزدهمین همایش ملی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی اظهار کرد: زبان فارسی که میراث مشترک نسل‌های ایرانی و حامل حافظه تاریخی فرهنگ و تجربه زیستی این ملت است، نقشی انکارناپذیر در تقویت همبستگی ملی و پاسداری از تمامیت ارضی ایران داشته و دارد. محمدباقر قالیباف در این پیام با بیان این‌که زبان فارسی سهم بسزایی در پاسداری از تمامیت ارضی ایران دارد و پاسداری از مرزهای یک سرزمین در کنار اقتدار و اراده ملی به صیانت از پیوند های فرهنگی و هویتی مردمان آن نیز وابسته است، تصریح کرد زبان فارسی فراتر از ابزار گفت‌وگو و نوشتار، یکی از بنیادهای ترین ارکان هویت تاریخی و فرهنگی ملت ایران و از پیوندهای استواری است که اقوام گوناگون این سرزمین را در طول قرن‌ها به یکدیگر متصل کرده است. قالیباف بیان کرد: رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای همواره بر اهمیت زبان فارسی و ضرورت صیانت از ظرفیت‌های بی‌بدیل آن تأکید داشتند و تقویت این زبان را از الزامات پیشرفت فرهنگی و تمدنی کشور می‌دانستند. رئیس مجلس با بیان این‌که تأکید رهبر شهید بر پاسداشت زبان فارسی، یادآور این حقیقت است که زبان تنها میراثی به جامانده از گذشتگان نیست بلکه سرمایه زنده و مسئولیتی تاریخی در برابر نسل‌های آینده است، گفت: زبان فارسی سرمایه‌ای است که بی‌توجهی به آن می‌تواند پیوندهای هویتی جامعه را تضعیف کند و اهتمام ما به آن زمینه‌ساز بلندی فرهنگ و استحکام وحدت ملی خواهد بود.

#### دروغ خروج دیپلمات‌های روس از ایران

سفارت روسیه در تهران در بیانیه تأکید کرد که دیپلمات‌ها و متخصصان این کشور در ایران حضور دارند و به فعالیت خود ادامه می‌دهند. در این بیانیه آمده است، مازم گزارش‌های منتشرشده در برخی رسانه‌های معاند مبنی براین‌که ظاهرا تخلیه کارکنان سفارت روسیه و متخصصان شاغل در نیروگاه هسته‌ای بوشهر در جریان است، آگاه شده‌ایم. در همین راستا، اعلام می‌داریم که نه کارکنان سفارت و نه متخصصان روس در نیروگاه هسته‌ای بوشهر، در حال ترک ایران نیستند. سفارت روسیه تأکید کرده است: فعالیت‌ها طبق روال عادی ادامه دارد. ادعاهای خلاف این موضوع، اطلاعات نادرستی هستند که منشأ آنها نیز کاملا مشخص است.

در دیدار رهبر معظم انقلاب با رئیس قوه قضاییه تأکید شد

### از گسترش عدالت تا مبارزه با فساد؛ راهبردهای افزایش سرمایه اجتماعی

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه‌قضاییه با حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار و گفت‌وگو کرد. دراین دیدار بر افزایش سرمایه اجتماعی نظام از طریق گسترش عدالت و تأمین



فرمانده قراگاه خاتم‌الانبیاء(ص) از بسته بودن راه

بازگشت ناوهای آمریکایی می‌گوید و همزمان با

فشار ایران در هرمز، تحرکات دیپلماتیک اروپاییان

در آستانه انتخابات آمریکا شدت گرفته است.

اظهارات صریح سرلشکر علی عبداللهی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح و فرمانده قراگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص)، باردیگر پیام روشن تهران به واشنگتن درباره آینده حضور نظامی امریکا در خلیج فارس را به صدر تحولات منطقه آورده است؛ پیامی که درآن، نه تنها از ناکارآمد شدن نیروی دریایی آمریکا سخن گفته می‌شود بلکه بر بسته بودن راه بازگشت ناوهای جنگی این‌کشور به آب‌های پیرامونی ایران تأکید شده است. عبداللهی با الحنی قاطع اعلام کرد که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در هیچ شرایطی اجازه نخواهند داد شناورهای نظامی آمریکا وارد خلیج فارس شوند و ترامپ باید بازگشت ارتش آمریکا به این منطقه را در خواب ببیند؛ آرزویی که به گفته او، آمریکایی‌ها برای همیشه با خود به‌گور خواهند برد. فرمانده قراگاه مرکزی خاتم‌النبیاء(ص) همچنین با زیر سؤال بردن ادعاهای مکرر ترامپ درباره نابودی توانمندی های نظامی ایران، این پرسش را پیش کشید که اگر واشنگتن واقعا به اهداف ادعایی خود دست یافته، چرا ناوها و نیروهای نظامی این کشور جرأت نزدیک شدن به تنگه هرمز و مرزهای ایران را ندارند؟ او در ادامه، با اشاره به اراده ایران برای فرسوده کردن توان و موقعیت آمریکا و رژیم صهیونیستی در یک تقابل طولانی، تأکید کرد که هرچه این رویارویی بیشتر ادامه یابد، دشمنان ایران در باتلاقی که خود ساخته‌اند، بیشتر فرو خواهند رفت.

اهمیت این اظهارات تنها در صراحت پیام نظامی تهران خلاصه نمی‌شود؛ این مواضع در شرایطی مطرح شده که تحولات تنگه هرمز، تشدید فشار بر تردد دریایی و افزایش بهای نفت به بیش از ۱۱۷ دلار، همزمان با نزدیک شدن انتخابات میان دوره‌ای آمریکا، محاسبات کاخ سفید را با دشواری‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده است. در چنین فضایی، تأکید ایران بر جلوگیری از بازگشت ناوهای آمریکایی به خلیج فارس، در کنار تحولات میدانی و فعال شدن دوباره تحرکات دیپلماتیک اروپا و کشورهای منطقه، معنایی فراتر از یک هشدار نظامی پیدا می‌کند؛ واشنگتن برای مهار بحران با دو مسیر پرهزینه مواجه است؛ ادامه تقابل که می‌تواند پیامدهای امنیتی و اقتصادی آن را تشدید کند، یا حرکت به سمت دیپلماسی در شرایطی که تهران حاضر نیست بدون پذیرش شروط خود وارد مذاکره شود. از همین منظر، تحولات اخیر هرمز را باید در چارچوب تقابل دریایی ایران و آمریکا بلکه در پیوند با فشارهای اقتصادی و انتخاباتی بر ترامپ و تلاش‌های تازه برای گشودن مسیرهای سیاسی ارزیابی کرد.

#### دیپلماسی در سایه هرمز؛ واشنگتن به دنبال مهار بحران است

تحولات یک هفته اخیر نشان داده که تنگه هرمز همچنان یکی از مهم‌ترین اهرم‌های راهبردی ایران در برابر فشارهای آمریکا به‌شمار می‌رود. اهمیت این گزگاه صرفا به موقعیت جغرافیایی آن محدود نیست؛ هرمز نقطه اتصال امنیت منطقه‌ای بازار جهانی انرژی است و هرگونه اختلال در وضعیت کشتیرانی آن می‌تواند پیامدهایی فراتر از مرزهای خلیج فارس داشته باشد. از همین رو، افزایش فشار در این آبراه، محاسبات قدرت‌هایی را که امنیت انرژی و آزادی عمل نظامی خود را به حضور در منطقه گره زده‌اند، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در روزهای اخیر، گزارش‌ها درباره متوقف شدن شناورهای متخلف و تشدید محدودیت‌ها در تردد دریایی، در کنار افزایش بهای نفت، باردیگر نشان داده است که امنیت خلیج فارس را نمی‌توان جدا از ملاحظات و منافع ایران تعریف کرد. تهران در این معادله صرفا بازیگری نیست که به اقدامات دیگران واکنش نشان دهد؛ موقعیت جغرافیایی، توانمندی‌های نظامی و ظرفیت اعمال مدیریت بر محیط پیرامونی، به ایران امکان می‌دهد هزینه‌های تصمیم‌های خصمانه علیه خود را به سطحی فراتر از محاسبات اولیه واشنگتن منتقل کند.

#### یادداشت

**عباس سلیمی نمین**؛ تحلیلگر ارشد مسائل سیاسی

### یک انتظار اصولی از مدعیان میانجی‌گری

در شرایط فعلی و در راستای بررسی عملکرد کشورهای میانجی‌گر باید به یک نکته مهم توجه داشت. کشورهایی که در واقع نقش رابط را برای مذاکره ایفا کرده‌اند، متأسفانه بعد از این‌که آمریکایی‌ها به عهد و تعهدات‌شان پایبند نماندند، موضع خاصی در این ارتباط اتخاذ نکردند. یعنی قطعا باید پاکستان موضع می‌گرفت و آمریکایی‌ها را در برابر این سؤال قرار می‌داد که چرا با وجود این همه زمانی که در منطقه صرف شده، فعال‌شدن کشورهای مختلف و رفت‌وآمدهای جدی و فشرده، در این زمینه کوتاهی می‌کنند. بنابراین، هم قطر، هم عمان و به‌خصوص پاکستان در این زمینه کم‌کاری دارندو متناسب با نقشی که باید ایفا می‌کردند، عمل نکرده‌اند.

سفر فرمانده ارتش پاکستان از این جنبه بسیار قابل‌تامل است. البته در ملاقات‌های خصوصی به ایشان تذکر داده شده که شما یا نباید وارد این عرصه می‌شدید، یا اگر وارد شدید، باید ایستادگی لازم را از خودتان نشان می‌دادید و آمریکا را وادار می‌کردید که به تعهداتش پایبند بماند یا هزینه زیرپا گذاشتن تعهداتش را افزایش می‌دادید.

حالا مجدداً تیم مذاکره فعال شده است. به‌نظر می‌رسد این

حقوق عامه و مبارزه اثرگذار با فساد و کلواکه‌های

آن، رسیدگی سریع وتوأم با دقت وقاطعیت واجرای

به‌موقع وبازدارنده احکام، تحول همه‌جانبه و

ملموس در دستگاه قضایی، استفاده حداکثری از

فناوری‌های نوین در مسائل مهم، به‌ویژه نظارت بر

فرمانده قراگاه خاتم‌الانبیاء(ص) از بسته بودن راه

بازگشت ناوهای آمریکایی می‌گوید و همزمان با

فشار ایران در هرمز، تحرکات دیپلماتیک اروپاییان

در آستانه انتخابات آمریکا شدت گرفته است.

اظهارات صریح سرلشکر علی عبداللهی، رئیس ستادکل نیروهای

مسلح و فرمانده قراگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص)، باردیگر پیام

روشن تهران به واشنگتن درباره آینده حضور نظامی امریکا در

خلیج فارس را به صدر تحولات منطقه آورده است؛ پیامی که درآن،

نه تنها از ناکارآمد شدن نیروی دریایی آمریکا سخن گفته می‌شود

بلکه بر بسته بودن راه بازگشت ناوهای جنگی این‌کشور به آب‌های

پیرامونی ایران تأکید شده است. عبداللهی با الحنی قاطع اعلام کرد

که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در هیچ شرایطی اجازه

نخواهند داد شناورهای نظامی آمریکا وارد خلیج فارس شوند و

ترامپ باید بازگشت ارتش آمریکا به این منطقه را در خواب ببیند؛

آرزویی که به گفته او، آمریکایی‌ها برای همیشه با خود به‌گور خواهند

برد. فرمانده قراگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص) همچنین با زیر سؤال

بردن ادعاهای مکرر ترامپ درباره نابودی توانمندی های نظامی

ایران، این پرسش را پیش کشید که اگر واشنگتن واقعا به اهداف

ادعایی خود دست یافته، چرا ناوها و نیروهای نظامی این کشور

جرأت نزدیک شدن به تنگه هرمز و مرزهای ایران را ندارند؟ او در

ادامه، با اشاره به اراده ایران برای فرسوده کردن توان و موقعیت

آمریکا و رژیم صهیونیستی در یک تقابل طولانی، تأکید کرد که

هرچه این رویارویی بیشتر ادامه یابد، دشمنان ایران در باتلاقی که

خود ساخته‌اند، بیشتر فرو خواهند رفت.

اهمیت این اظهارات تنها در صراحت پیام نظامی تهران خلاصه

نمی‌شود؛ این مواضع در شرایطی مطرح شده که تحولات تنگه

هرمز، تشدید فشار بر تردد دریایی و افزایش بهای نفت به بیش

از ۱۱۷ دلار، همزمان با نزدیک شدن انتخابات میان دوره‌ای

آمریکا، محاسبات کاخ سفید را با دشواری‌های تازه‌ای روبه‌رو

کرده است. در چنین فضایی، تأکید ایران بر جلوگیری از بازگشت

ناوهای آمریکایی به خلیج فارس، در کنار تحولات میدانی و فعال

شدن دوباره تحرکات دیپلماتیک اروپا و کشورهای منطقه،

معنایی فراتر از یک هشدار نظامی پیدا می‌کند؛ واشنگتن

برای مهار بحران با دو مسیر پرهزینه مواجه است؛ ادامه تقابل

که می‌تواند پیامدهای امنیتی و اقتصادی آن را تشدید کند، یا

حرکت به سمت دیپلماسی در شرایطی که تهران حاضر نیست

بدون پذیرش شروط خود وارد مذاکره شود. از همین منظر،

تحولات اخیر هرمز را باید در چارچوب تقابل دریایی ایران

و آمریکا بلکه در پیوند با فشارهای اقتصادی و انتخاباتی بر ترامپ

و تلاش‌های تازه برای گشودن مسیرهای سیاسی ارزیابی کرد.



در چنین شرایطی، تحرکات دیپلماتیک‌روژه‌های گذشته دراستانبول

را نمی‌توان از فشار فزاینده‌ای که در حوزه انرژی و امنیت دریایی بر آمریکا وارد شده است، جدا کرد. ترکیه و برخی کشورهای منطقه در کنار قدرت‌های اروپایی، بر ضرورت جلوگیری از گسترش جنگ و استفاده از مسیر دیپلماسی تأکید کرده‌اند. این موضع، دست‌کم در ظاهر، بر نگرانی مشترک درباره گسترش بحران دلالت دارد؛ اما در سطح راهبردی، پرسش مهم‌تر آن است که این تلاش‌ها قار است چه مسأله‌ای را حل‌کند و چه انتظاری از ایران دارند.

برای واشنگتن، مهار وضعیت هرمز بدون پرداخت هزینه‌های سنگین تا پیش از انتخابات مطلوب‌ترین سناریو است. دولت ترامپ می‌خواهد فشار ناشی از تحولات دریایی را کاهش دهد، از ورود افزایش بیشتر قیمت انرژی جلوگیری کند و در عین حال، از ورود به جنگی تازه که نتیجه آن قابل پیش‌بینی نیست، پرهیز کند. فعال شدن کانال‌های دیپلماتیک می‌تواند بخشی از تلاش برای دستیابی به چنین هدفی باشد؛ تلاشی که به آمریکا امکان می‌دهد همزمان با دنبال کردن مسیرهای سیاسی، زمان بیشتری برای ارزیابی شرایط و تنظیم واکنش‌های خود به دست آورد.

با این حال، مسأله اصلی این است که دیپلماسی زمانی می‌تواند به نتیجه برسد که طرف مقابل واقعیت‌های میدان را بپذیرد. ایران بارها نشان داده که مذاکره را نه به‌عنوان ابزاری برای عقب‌نشینی یک‌جانبه بلکه در چارچوب تأمین منافع و حقوق خود دنبال می‌کند. در نتیجه، فعال شدن میانجی‌ها به‌خودی‌خود به معنای تغییر موضع تهران یا کنار گذاشتن اهرم‌های راهبردی آن نیست.

#### هزینه‌های که ترامپ نمی‌تواند نادیده بگیرد

افزایش بهای نفت به محدوده بیش از ۱۱۷ دلار، در شرایطی که تنها هشت روز تا انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا باقی مانده، برای دولت ترامپ صرفا یک شاخص اقتصادی نیست؛ این تحول می‌تواند به مسأله‌ای سیاسی با پیامدهای مستقیم انتخاباتی تبدیل شود. قیمت انرژی از جمله متغیرهایی است که شهروندان آمریکایی آثار آن را در زندگی روزمره خود احساس می‌کنند. افزایش هزینه سوخت، حمل‌ونقل و کالاها می‌تواند

مساله با فشار آمریکا صورت گرفته است.

یکی از شگردهای ترامپ فعال‌کردن مذاکره برای کاهش بحران اقتصادی است. وقتی بحران اقتصادی ناشی از افزایش قیمت سوخت مقداری می‌گیرد، صحبت‌هایی درباره مذاکره و مسائل مشابه مطرح می‌شود. بعد که فضا تا حدودی تعدیل می‌شود، مجدداً تهدیدات خودش را از سر می‌گیرد؛ تهدیداتی که بسیار جسورانه است، به‌خصوص در این‌دوره که با صراحت بحث جنگ تمدن‌ها را مطرح کرده‌اند و نابودی تمدن ایران را به‌صراحت هدف گرفته‌اند. آنها مطرح می‌کنند که چون ایران سابقه تمدنی و سابقه امپراتوری دارد، این مساله برای غرب خطرناک است.

این مساله برای بسیاری از کسانی که تاکنون در شناخت غرب نوعی اغماض می‌کردند و بسیاری از دلایل و عملکردهای آن را نمی‌دیدند، به‌دلیل گرایش به غرب و نوعی خودباختگی در برابر آن، دیگر قابل چشم‌پوشی نیست. وقتی مقامات آمریکا اعلام می‌کنند که چون ایران سابقه تمدنی دارد، باید تحت فشار قرار بگیرد و از بسیاری از جهات، از پیشرفت محروم شود، دیگر با مقوله‌ای مواجه نیستیم که بتوان آن را نادیده گرفت. دیگر نیازی نیست که بخواهیم برای آن نوعی توجیه بتراشیم و مثلاً بگوییم ما در فلان مورد در برخورد با آمریکا پیش‌دستی کرده‌ایم.



متن کامل را در

جام جم آنلاین

بخوانید

و جدیت در استیفای حقوق و خسارات مادی و

معنوی ناشی از جنایات مجرمان آمریکایی– صهیونی

تأکید شد. در ابتدای این دیدار، آقای محسنی‌اژه‌ای

گزارشی از برنامه‌های دوره جدید قوه قضاییه، از جمله

به‌روزرسانی سند تحول قضایی و شتاب‌بخشی به

هوشمندسازی امور با هدف صرفه‌جویی در زمان

رسیدگی، کاهش هزینه‌ها، اتقان احکام و ارتقای

سلامت کارکنان قوه قضاییه ارائه کرد.



#### اروپا؛ میانجی‌گری یا شکل دیگری از فشار؟

در این میان، نقش اروپا نیز نیازمند توجه است. حضور کشورهای اروپایی در تحرکات دیپلماتیک مرتبط با بحران ایران و آمریکا، در نگاه نخست می‌تواند نشانه‌ای از نگرانی آنها نسبت به گسترش جنگ باشد. اروپا از افزایش نااطمینانی در بازار انرژی، اختلال در تجارت دریایی و گسترش دامنه درگیری در غرب آسیا متضرر می‌شود؛ بنابراین، مخالفت با تشدید نظامی بحران، با منافع اقتصادی و امنیتی این کشورها ارتباط مستقیم دارد.

اما مخالفت با جنگ لزوماً به معنای کنار گذاشتن فشار سیاسی علیه ایران نیست. تجربه روابط ایران و اروپا نشان داده است که ابزارهای دیپلماتیک می‌توانند همزمان با اهداف اعلام‌شده برای کاهش تنش، در خدمت ایجاد فشار و محدود کردن گزینه‌های طرف مقابل نیز قرار گیرند. از این منظر، فعال شدن اروپا را نباید صرفاً نشانه‌ای از تغییر رویکرد غرب با پذیرش مواضع ایران تلقی کرد. پرسش اصلی آن است که اروپا چه چارچوبی را برای پایان دادن به بحران دنبال می‌کند و آیا این چارچوب، واقعیت‌های امنیتی منطقه و حقوق ایران را به رسمیت می‌شناسد یا بار دیگر بر مهاریک جانبه‌تهران متمرکز است. گزارش‌ها از دیدارهای استانبول و تأکید شرکت‌کنندگان بر ضرورت دیپلماسی، در کنار نگرانی درباره امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز و دریای سرخ، نشان می‌دهد که بحران منطقه‌ای به موضوعی مشترک برای قدرت‌های منطقه‌ای و اروپایی تبدیل شده است. با این حال، نمی‌توان احتمال استفاده از این روند برای افزایش فشار سیاسی بر ایران را نادیده گرفت. اروپا ممکن است با مخالفت با حمله نظامی تازه، همزمان تلاش کند مسیرهایی را برای اثرگذاری بر تصمیم‌های تهران فعال نگه دارد؛ مسیری که در آن، مذاکره می‌تواند به ابزاری برای مدیریت بحران و خرید زمان تبدیل شود.

این مسأله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا عملاً در بن‌بست قرار گرفته است. در جریان سفر اخیر عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان به تهران نیز پیام ایران درباره شروط هفت‌گانه برای هرگونه مذاکره، باردیگر به طرف مقابل منتقل شد. موضع تهران روشن است: مذاکره نمی‌تواند به پوششی برای تداوم فشار، تحمیل خواسته‌های یک‌جانبه یا نادیده گرفتن مطالبات ایران تبدیل شود. تا زمانی که آمریکا حاضر نباشد شروط اعلام‌شده ایران را بپذیرد، صرف افزایش تماس‌های دیپلماتیک به معنای فراهم شدن زمینه توافق نخواهد بود.

از همین رو، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که دولت ترامپ دری آن باشد با فعال کردن مسیر اروپا و میانجی‌های منطقه‌ای، کانال‌های ارتباطی را دوباره به جریان بیندازد و از شدت فشارهای ناشی از وضعیت هرمز بکاهد؛ آن هم در شرایطی که ورود به یک جنگ تازه پیش از انتخابات می‌تواند هزینه سیاسی سنگینی برای کاخ سفید داشته باشد. چنین برداشتی به معنای قطعی بودن این راهبرد نیست اما با مجموعه فشارهایی که همزمان در حوزه انرژی، امنیت دریایی و سیاست داخلی آمریکا شکل گرفته، سازگار است.

با این همه، تهران نیز دلایل روشنی برای احتیاط در برابر چنین روندی دارد. تجربه گذشته نشان داده که دعوت به مذاکره، هنگامی که با فشار اقتصادی و تهدید نظامی همراه می‌شود، الزاماً به معنای حرکت به سمت توافقی متوازن نیست. بنابراین، معیار ارزیابی هر ابتکار دیپلماتیک باید نه تعداد نشست‌ها و بیانیه‌ها بلکه میزان پذیرش واقعیت‌های میدانی و حقوق ایران باشد. در نهایت، ترامپ در آستانه انتخابات با انتخابی ساده روبه‌رو نیست؛ تشدید نظامی بحران می‌تواند هزینه‌های اقتصادی و سیاسی را افزایش دهد و مسیر دیپلماسی نیز بدون پذیرش شروط ایران، تضمینی برای خروج از بن‌بست فراهم نمی‌کند. در چنین شرایطی، پیام تهران روشن است؛ امنیت منطقه به‌تهدید و فشار یک‌جانبه تأمین نمی‌شود و هرگونه تلاش برای مهار بحران، ناگزیر باید قدرت و جایگاه ایران را در معادلات خلیج فارس به رسمیت بشناسد.

#### یادداشت

**احمد میراحسان**؛ نویسنده و پژوهشگر

### ساختارزدایی جنبش نسل Z در جنبش کنونی غرب

شناخت رخدادهای اعتراضی کنونی غرب، آمریکا و اروپا از هم جدا ممکن نیست و بی‌تردید به مسائل لبه‌ای و گذرگاهی دوران‌های تغییر دورانی به دوران دیگر و افول تمدنی و بحران پسماندزینته بستگی دارد و ضمناً ندیدن تمایزات‌شان و تعارضات ملی اروپا و آمریکا گمراه‌کننده است. مثالی می‌زنم.

یکی از احتمالات دامن‌گستری اعتراضات دانش‌آموزی پاریس، با توجه به همه عوامل و تعارضات و نادادگری‌های داخلی، استفاده نه‌ان کارانه صهیونیسم آمریکایی و ماگا و اسرائیل، برای فشار به دولت‌های اروپایی و به‌ویژه فرانسه برای ورود به جنگ آنان با ایران است. جنگ حفظ یکجانبه‌گرایی و آمریکا و اسرائیل علیه چند جانبه‌گرایی، تعلل اروپا به‌رغم وابستگی به آمریکا، منافع او در شکست ماگا و یکجانبه‌گرایی است و ترمیم جایگاه از دست رفته‌اش. از سوی دیگر حتی احتمال آن است که کل این سرگشتگی، محصول بازی سرمایه جهانی برای تغییرات آینده و یک نظام یکپارچه و نفی دولت ـ ملت‌های عصر مدرنیته باشد. امروز زیرساخت تکنولوژیک جهانی‌سازی حکمرانی، مثل سطره جهانی اینترنت هوشمند و نظام اجتماعی شهروندی جهانی دیجیتال و نسل هوش مصنوعی و زیرساخت جهانی



متن کامل را در

جام جم آنلاین

بخوانید